

کودکی سر به زیر و درون گرا

کیومرث کودکی سر به زیر و درونگرا است. او بارها خود را در این کتاب «خانگی» می‌خواند و از مادرش نقل کرده که در کودکی کم‌آزار بوده. کیومرث در ۱۳۲۸ در نجف-آباد در یک خانواده پرجمعیت متولد شد. تصور زندگی در خانواده‌ی پرجمعیت این روزها برای اغلب ما دشوار است. امری که تا چهل پنجاه سال پیش خیلی رایج بود. پدر کیومرث کارشناس فرش بانک ملی بوده است. او در کنار کارمندی به خرید و فروش فرش نیز مشغول بوده تا بتواند از پس خرج دوازده فرزندش بر بیاید. طبیعا امکان رشد در چنین محیطی بسیار دشوار است. و در کودکی هزار حسرت به دل آدمی می‌گذارد. خرید لباس نو محدود می‌شود به سالی یکبار شب عید و هر جفت کفش که آن هم سالی یکبار خرید می‌شده و در میانه‌ی هر سال سوراخ می‌شده تا در زمستان بلایی شود برای کودکی که پدرش توانایی خرید یک جفت کفش بیشتر در سال ندارد.

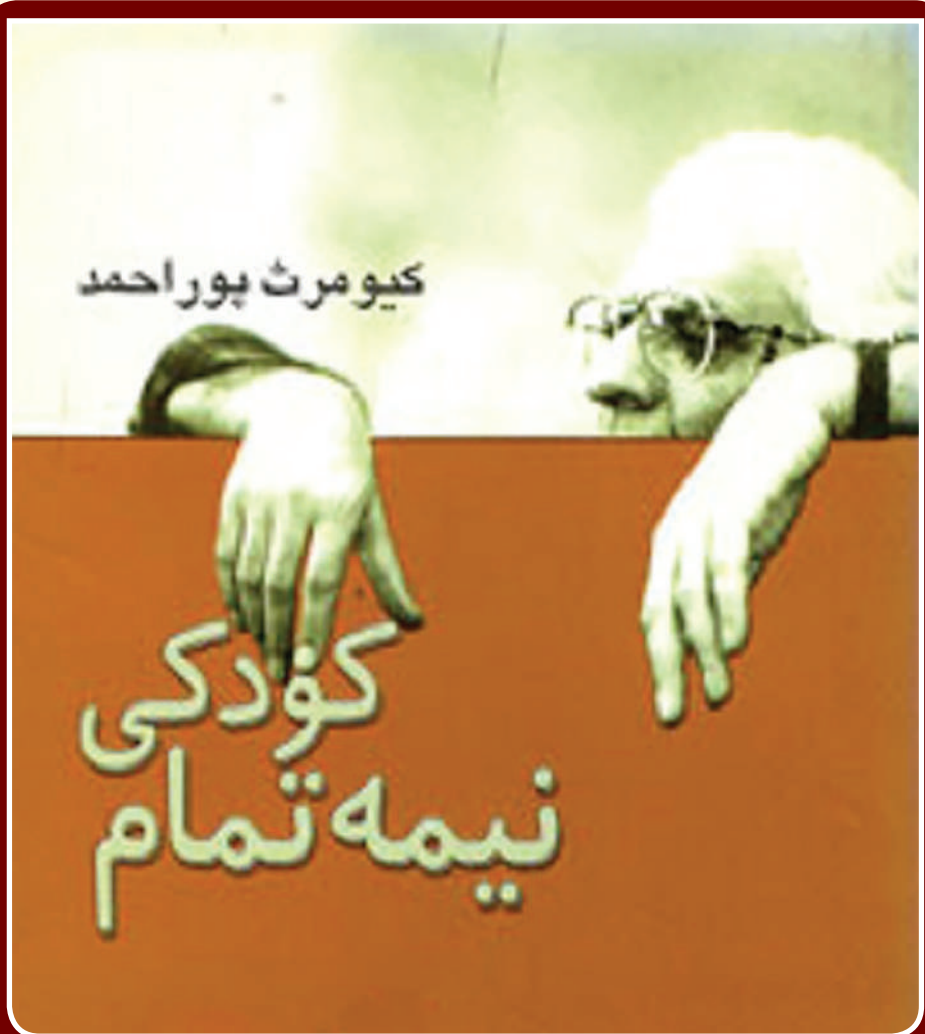
خانواده پورا احمد در کودکی کیومرث از نجف-آباد به اصفهان مهاجرت می‌کنند. با مدرسه رفتن لهجه نجف‌آبادی کیومرث مورد تمسخر کودکان اصفهانی قرار می‌گیرد. تنبیه بدنی بی‌رحمانه معلمان آن دوران کیومرث را بیشتر از جمع‌گریزان می‌کند. کیومرث مشکل دیگری هم دارد «لکنت زبان»، لکنت وضعی باعث می‌شود حتی برادران و خواهران پر تعداد کیومرث هم به او بخندند. این ناتوانی کودکی سال‌ها بعد در اولین تجربه کارگردانی پورا احمد در فیلم «زنگ اول، زنگ دوم» منعکس می‌شود.

دنیایی که بزرگ و بزرگ‌تر شد

با حضور رادیو در خانه، دنیای کودکی کیومرث رنگ تازه‌ای پیدا می‌کند. حالا دیگر دنیا در کتاب‌های مدرسه محدود نمی‌شود. بلکه با شنیدن قصه‌های خانم «عاطفی» در رادیو دنیای کیومرث بزرگ می‌شود. برادر بزرگ‌تر کیومرث «منوچهر» پس از اتمام دوره‌ی ابتدایی به هنرستان هنرهای زیبا می‌رود. بعد از رادیو، حال این حضور برادر در محیط هنری است که دنیای کیومرث را بزرگ‌تر می‌کند. منوچهر نوجوان مینیاتور می‌کشد. مینیاتور طبع بی‌قرار نوجوانش را ارضاء نمی‌کند. پس از چندی وارد تئاتر اصفهان می‌شود. منوچهر که دور از چشم پدر سنتوری خریده و گاهی مخفیانه در کنج اتاقش سنتورنوازی می‌کند تا این که سرانجام پدر می‌فهمد ساز از خانه به ناچار بیرون برده می‌شود. در نگاه پدر ایرانی در آن دوران ساز و آواز یعنی شروع بدبختی و دور شدن از درس و مشق - مطربی مایه‌ی ننگ است -

گلچهره اولین عشق کیومرث

دست سستن از عشق زود هنگام در دوازده سالگی برای کیومرث مایه‌ی غمی بزرگ است. کیومرث عاشق دختر قوم و خویش پدرش می‌شود: گلچهره. خانواده گلچهره ساکن شیراز



کیومرث به روایت پورا احمد

مروری بر کتاب کودکی نیمه تمام

محمود رضا حائری

پورا احمد 52 ساله تصمیم به روایت زندگی کیومرثی گرفته که در میانه‌ی دهه‌ی 30 قرن گذشته‌ی خورشیدی کودکی خود را نیمه تمام باقی گذاشته و به ناچار وارد بزرگسالی شده. این کتاب که انگیزه نوشتن آن را مسعود مهربانی مدیرمسئول فقید ماهنامه «فیلم» در دل پورا احمد انداخت. نوشتن «کودکی نیمه تمام» با مصاحبه‌های مفصل مهربانی با پورا احمد در اوایل دهه‌ی 70 شروع شد. پس از چندین سال پورا احمد از دل آن گفت‌وگوها طرح کتابی را ریخت که عاقبت شد کودکی نیمه تمام. کتابی که آن‌طور که باید قدر ندید. سنت زندگی نامه نویسی در بین هنرمندان ما قدر نادیده است. همین معدود زندگی نامه‌ها است که موجب می‌شود روایت دست‌اولی از زندگی و آثار یک هنرمند در دست داشته باشیم. حال که این کتاب به شدت کمیاب است. روایتی از نیمه‌ی نخست کتاب را مرور می‌کنیم.